

ادامه از صفحه اول

## تصمیمات مسئولان و سرنوشت ملت‌ها

اگر نهاده‌ها به گونه‌ای شکل گرفته باشند که هدفشان حذف برخی اقشار از روند تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و سیاسی باشد، چنین حذفی موجب می‌شود تا در نهایت حقوق اقتصادی بخش‌های حذف‌شده نیز به سود اقشار حاضر در روند تصمیم‌گیری‌ها نقض شود و جامعه در جهت دوقطبی‌شدن، تنش و تعارض سیر کند. در چنین شرایطی، دستیابی به توسعه پایدار غیرممکن می‌شود.
مرور تاریخ یکی، دو قرن اخیر ثابت کرده است کشورهایی که نهادهایی غیرمشارکتی و غیرکثرت‌گرا داشته‌اند، بدون استثنا از مدار توسعه حذف شده‌اند.
امپراتوری عثمانی، کشورهای آمریکای لاتین، شوروی، چین در زمان انقلاب فرهنگی و بسیاری دیگر در این زمره‌اند. برعکس، جوامعی که نهادهای مشارکی و کثرت‌گرا در آنها ریشه گرفت، توانسته‌اند به توسعه پایدار و ثبات سیاسی درآزمدت دست یابند.
کتاب «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟» نوشته داریون عاصم‌واغلو و جیمز رایینسون، در سال‌های اخیر نقش مهمی در توجیه مباحث توسعه و طرح آن در سطح عموم داشته است. سؤال محوری این کتاب آن است که چرا برخی جوامع به رونق و شکوفایی گسترده همراه با نرخ رشد بالا در دوره‌ای طولانی همراه با توسعه و رشد مستمر تکنولوژی و توسعه پایدار دست یافته‌اند و جوامعی دیگر با عقب‌ماندگی و فقر مزمن دست‌به‌گریبان هستند؟ این کتاب با بررسی شهر واحدی که بر اثر ترسیم خط مرزی آمریکا و مکزیک در سال ۱۹۱۸ به دو قسمت تقسیم شد، آغاز می‌شود. مردم شهر نواکس که به این ترتیب دوباره شد، مردمی هستند با نژاد واحد، فرهنگ واحد، مذهب واحد، زبان واحد، سنت‌های واحد و سابقه تاریخی واحد و ساکنان در اقلیمی واحد؛ اما در حال حاضر دارای دو سطح توسعه و استانداردهای زندگی کاملا متفاوت هستند.
مثال‌های بی‌شمار دیگری نیز وجود دارد. معمّر قذافی در ۱۹۶۹ حاکم کشوری شد با کمتر از دو میلیون نفر جمعیت و صدور روزی حدود سه میلیون بشکه نفت؛ تصمیمات سیاسی غلط او موجب شد تا جامعه لیبی با وجود ثروتی عظیم، همچنان درگیر تنش، فقر و عقب‌ماندگی باشد. برعکس، شامی از کشورهای عربی کوچک خلیج فارس، در شرایطی کم‌ویش مشابه به لحاظ فرهنگی، مذهبی، اقلیمی و منابع طبیعی، امروز در مدار ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی-اجتماعی قابل قبولی قرار گرفته‌اند.
سیاست‌های مانو در چین، جامعه‌ای ساخت که ۹۰ درصد مردم آن با درآمدی کمتر دو دلار در روز زندگی می‌کردند. تصمیمات متفاوت تیم تک شیائوپینگ در ۱۹۷۸ و تشویق نهادهای اقتصادی مشارکی و کثرت‌گرا موجب شد تا امروز چین کشوری باشد که دو دلار درآمدی داشته‌الگرحه یافته‌چین به دلیل نهادهای سیاسی حذقی، همچنان زیر غلامت سه‌سؤال است. تفاوت سطح و استانداردهای عظیم زندگی مردم کره‌شمالی و مردم کره‌جنوبی که دو پاره از یک ملت واحد هستند نیز روش است و مثال‌های بی‌شمار دیگری نیز در این رابطه قابل ذکر است.

## ظرفیت را افزایش داند ظرفیت را افزایش دهید...

البته گفتنی است که نطفه شوم این شرایط در زمان همان دولت و همان وزارت و با سرنگون‌شدن طرح تحول نظام سلامت گذاشته شد.
حتما شما هم از این سطور این برداشت را کردید که راه‌حل عدم تمایل پزشکان برای کار در مناطق محروم نه از مدل جلسات و برنامه‌های تلویزیونی و کمیسیون‌های منفعل بلکه از دل مرور اتفاقات همین پنج، شش سال گذشته درمی‌آید. بگذریم...
برگردیم به افزایش ظرفیت‌ها، ذات پزشکی و حرفه‌های درمانی به گونه‌ای است که به دلیل تخصصی و علمی بودنش چون گردابی می‌ماند که خیلی از اشتباهات و تصمیمات غلط را در خود حل می‌کند، بدون اینکه مردم و مشخصا بیماران متوجه شوند که چه بر سرشان آمده است.
شاید اطمینان خاطر قانون‌گذار هم ریشه در همین موضوع دارد.
با خود می‌گوید پزشکان را زیاد می‌کنیم، بالاخره یکی از آنها راضی می‌شود با همین دریافتی به مناطق محروم برود. مردم هم متوجه نمی‌شوند که کیفیت آموزش پزشکی شاید کم شود، زیرساخت آموزش اصولی دانشجویمان پزشکی شاید فراهم نشود، دل خوش کردن به پزشکان متوسط باعث فرار و مهاجرت پزشکان نخبه‌تر شود و به‌طورکلی کیفیت ارائه خدمت درمانی نزول کند تا جایی که در تعادل جدید بیماری‌ای که قبلا با درصد بالا درمان می‌شده، اکنون با تشخیص نامناسب و درمان غلط تبدیل به یک بیماری مخوف شود.
همه اینهایی که گفتیم، در گرداب پزشکی حل می‌شود و مردم آنها را نمی‌بینند، اگرچه ذره‌ذره این گرداب از درون گل‌آلود می‌شود.

بحث را خلاصه کنیم و خوش‌بین‌تر باشیم. ان‌شاءالله تعداد بیشتر پزشکان، شرایط را برای اعزام آنها به مناطق محروم هموار کند و مردم این مناطق را به یکی از حقوق اساسی‌شان نزدیک کند که همان دسترسی آسان به امکانات و نیروهای درمانی کارآمد است.
از طرفی همسو با افزایش ظرفیت پزشکی، ما مردم هم ظرفیتمان را بالا ببریم تا با عواقب این تصمیم در آینده راحت‌تر کنار بیاییم.

احمد توکلی، سیاست‌مدار اصولگرای پیشینه‌داری است. از سابقه حضور در دولت‌های دهه ۶۰ تا همین اواخر که نماینده مجلس بوده است. او را بیشتر بابت مواضع اقتصادی‌اش در این سال‌ها می‌شناسیم تا مواضع سیاسی. گرچه مواضع اقتصادی‌اش نسبت به دهه ۶۰ تغییر کرده است. در این مورد شاهد یک نوع جابه‌جایی بین دیدگاه‌های او و برخی از همفکرانش با جناح چپ دهه ۶۰ هستیم. توکلی این روزها با تابلوی فسادسنجی نهادی مردمی تحت عنوان «دیدهبان شفافیت و عدالت» را اداره می‌کند و به برخی پرونده‌های فساد هم ورود کرده است. او هم مانند بسیاری دیگر از اصولگرایان مقدم این روزها در بن و مرکز قدرت این جریان جایی ندارد و ترجیح می‌دهد بیشتر نقش یک سوت‌زن را ایفا کند. مشخص است که امثال او و محمدرضا باهنر با درس گرفتن از تجربه دولت‌های نهم و دهم، واقعات موجود کشور و تغییرات قدرت درون جریان اصولگرایی، تمایلی به ایفای نقش حامی شش‌دانگ دولت اصولگرا را ندارند و ترجیح می‌دهند از کنار خود نقش منتقد دلسوز را ایفا کنند. آخرین کنش احمد توکلی نامه صریحش به رئیسی درباره تبعات حذف ارز چهارهزارو ۲۰۰تومانی بود. شاید بابت همین نقد‌هایش است که برخی از هم‌جناحی‌هایش از او شاکایی اند. توکلی اما همواره سعی کرده پاسخ نقد‌ها و کنایه‌ها را با آرامش بدهد و خودش را همچنان یک منتقد قابل به‌یاد نبرون جریانی معرفی کند. وقتی چندی‌قبل بابت حاشیه‌های ایجادشده در اطراف بیوت برخی علما هشدار داد و نامه نوشت، یک عضو جبهه پایداری در لحنی نامناسب و کنایه‌وار به او طعنه زد که «با توجه به وضعیت حاد بیماری پارکینسون احمد توکلی نمی‌توان درباره اظهارات ایشان انتظار خاصی داشت؛ چراکه وضعیت سلامتی مناسبی ندارد». سخنی که با واکنش دفتر توکلی روبه‌رو شد که پاسخ داد: «بله، آقای توکلی مبتلا به بیماری پارکینسون هستند؛ اما این بیماری هیچ تأثیری روی قدرت عقل افراد نمی‌گذارد. این توهنی است که آقای ابطنی نه‌تنها به آقای توکلی، بلکه به همه افرادی که به نوعی با این بیماری درگیر هستند، روا داشته‌اند».گفت‌وگوی «شرق» را با این سیاست‌مدار اقتصادخوانده در ادامه می‌خوانید.

**کا شما به‌تازگی نامه‌ای هشدارآمیز خطاب به آقای رئیسی نوشته و خطرات حذف ارز چهارهزارو ۲۰۰تومانی را متذکر شده‌اید. چرا با وجود اینکه یک دولت اصولگرای همسوز با شما سر‌کار آمده است، به این سرعت و در کمتر از یک سال چنین هشداری از سوی شما داده می‌شود. مگر دولت اصولگرا اشتباه نمی‌کنند؟**
به‌ویژه در این وضعیت پیچیده و سخت که دولت گرفتار است. من برای همه دولت‌ها، این خیرخواهی را آکرده‌ام. با رقیبان کرده‌ام، با رقیبان نکنم؟ مهم واکنش‌ها در برابر هشدار و انتقاد است که من از آقای رئیسی ممنون هستم که یک روز بعد از ارسال نامه آن را خواند و بلافاصله به جمع اقتصادی دولت برای بررسی ارجاع داد و آقای دکتر اسماعیلی رئیس دفتر ایشان هم می‌معطلی دستور رئیس جمهور را برابم فرستاد. از این برادر نیز تشکر می‌کنم. از آقای اسماعیلی خواستم که در جلسه بررسی بنده بتوانم از پیشنهادم دفاع کنم. قول مساعد داد.

اما چرا هشدار دادم؛ چون از این بابت خطر احساس می‌کنم. این تصمیم تکرار تجربه‌های شکست‌خورده گذشته است. از کالای نیست که بشود با آن هر کاری کرد. ابزار مهم سیاست‌گذاری بانک مرکزی برای حفظ ثبات اقتصادی است. ارز دارایی است که اگر مبتلا به بحران افزایش سریع همراه با تلاطم شود، پول ملی را از سکه می‌اندازد و بی‌ارزش شدن پول رایج هر کشور، مشکل بزرگی است که اگر دیر به یاد آن برسند، همه ایجاد اقتصاد ملی از هم می‌پاشد.

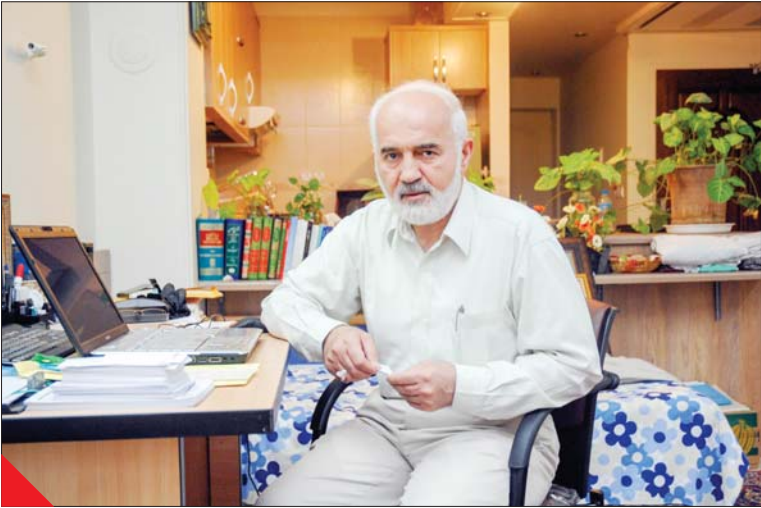
**کا یعنی چون دولت می‌خواسته ارز پارانه‌ای را حذف کند، اعتراض دارید و هشدارتان به این معناست که نرخ پارانه‌ای باید ادامه یابد؟**

من اصلا چنین نظری ندارم. آنچه من ادعا می‌کنم، این است که دولت پیش از بحث نرخ ارز، باید تکلیف خودش و کشور را درباره نظام ارزی مناسب از دست‌داده در دو ماه مرداد و شهریور ۱۳۹۷، توضیح بدهم. بعد از انقلاب سه، چهار تا بحران ارزی داشتیم. در دو مورد از سیاست تثبیت نرخ ارز و تخصیص اداری آن بر حسب اهمیت، استفاده کردیم. در این دو مورد با از بروز بحران پیشگیری شد یا بحران به‌سرعت مهار شد. اکنون با تصمیم

## سیاست

روایت احمد توکلی از تصمیمات دولت در گفت‌وگو با «شرق»:

# مجلس شریک انتصابات دولت است



عباس توکلی، عضو مجلس شورای شرق

دومی بحران دوره مرحوم آقای هاشمی‌رفسنجانی در سال ۱۳۷۴. در دوران جنگ، با وجود تحریم خرید نفتی ایران و حمله به نفتکش‌هایی که برای بارگیری به خلیج فارس می‌آمدند، بر درآمد نفتی ما تأثیر منفی درخور توجهی می‌گذاشتند. ارز به طور اداری به دسته‌بندی مصرف تخصیص داده می‌شد و با همه محدودیت‌ها دچار بحران نشدیم. دومی هنگامی اتفاق افتاد که مرحوم هاشمی رئیس‌جمهور وقت، به‌توصیه صندوق بین‌المللی پول، نرخ ارز را آزاد کرد. گرچه دولت هم خودش برای حواج ضروری نرخ اعلام می‌کرد؛ ولی نرخ در بازار آزاد تا دلار ۶۳۰ تومان هم رسید. آقای هاشمی سیاست‌مداری باهوش بود و شجاعت اصلاح مسیر را داشت و تجربه موفق دکتر شرافت جهرمی در مهار مشکلات ارزی زمان جنگ را در سمت معاون کل دکتر نمازی به یاد داشت، از او برای معاون کلی محمداخ داغوت کرد. شرط اختیار کامل او را هم پذیرفت. شرافت نیز با متوقف‌کردن سیاست تعدیل، که توصیه صندوق بین‌المللی پول بود، سیاست تثبیت نرخ ارز و تخصیص اداری آن و اعمال سیاست‌های مکرمل، موفق شد نرخ بی‌سابقه تورم ۴۹ درصدی سال ۱۳۷۴ را، به ۲۳ درصد یعنی به کمتر از نصف بکشد.

در این دو مورد، چاره کار کنترل تقاضای ارز برای تثبیت نرخ و تخصیص اداری به ضروریات الاهم فراهم، به نیازهای لازم و بعد کالای عادی، کمر تورم را شکست و خشم مردمی که تورم کمرشان را شکسته بود فرو نشاند. خشمی که مردم مشهد، شیراز، اراک، قزوین، اسلامشهر و… را برآشف.

مردمی که اکثرشان، از مناطق مستضعف‌نشین راه افتاده بودند. طبق معمول منافقین و ستون پنجم دشمن نیز ماهی خود را در این آب می‌چستند. دو تجربه شکست‌خورده، بحران ارزی از ۱۳۹۰-۱۳۹۲ را درست دوران آقای احمدی‌نژاد و ۱۳۹۷-۱۳۹۸ را ریاست آقای روحانی بود. در این دو مورد اقدام این بود که تعیین نرخ را به اصطلاح به بازار سپردند، از طرف عرضه وارد شدند و تقاضا را رها کردند. در نتیجه به قصد مهار قیمت ارز، میلیاردها دلار را به اسم ارز مداخله‌ای بر یاد دادند. و بازار را به میدان جولان حمله‌کنندگان هفته‌باز و فراردهندگان سرمایه مردم تبدیل کردند. ولی نه تنها نرخ ارز مهار نشد؛ بلکه هر دو دوره، قیمت ارز چندین برابر شد، قیمت دلار در پایان دوره مسئولیت آقای احمدی‌نژاد نسبت به آغاز آن ۴ برابر شد. در حالی که آقای احمدی‌نژاد در دوره هشت‌ساله مسئولیتش رقم بی‌سابقه ۶۲۰ میلیارد دلاری درآمد نفتی را در اختیار داشت.

توانست بحران ارزی را چاره کند! (برای آنکه به اهمیت این درایی توجه کنید، کافی است بدانید که درآمد نفتی ۸ساله آقای خاتمی ۱۷۶ میلیارد بود! ) در هشت‌ساله آقای روحانی قیمت ارز تا ۱۰ برابر نرخ روز اول هم رسید و با ۸ برابر روز اول، دوره پایاں یافت. در این دوره، حتی از تندخندن معبود نرخ ارز در روزهای آخر فروردین ۱۳۹۷، نگرانی‌ها تشدید شد،

۱) از دانش علمی نظری لازم مربوط به حوزه مأموریت، برخوردار باشند ۲) نسبت به مشکلات و واقعیت‌های حوزه مزبور شناخت قابل قبولی داشته باشند و ۳) در حوزه ذی‌ربط با مشکلات و معضلات دست به گریبان شده و کشتی‌گریخته باشند. کسی که کشتی نگرفته باشد، به‌سختی می‌تواند موفق شود. چون در حوزه اقتصاد نقش مدل بسیار مهم و تعیین‌کننده است، تیم اقتصادی مزبور باید سیاست‌های تعدیل بخسازی که ما را مانند قاطبه کشورهای دیگر، به این روز انداخته است، به کناری بگذارند و عکس خواسته صندوق بین‌المللی پول، سیاست تثبیت نرخ ارز در حدود دلار ۱۰ هزار

### سخنگوی دولت خبر داد:

## خبر سازی‌ها پیرامون افزایش قیمت بنزین صحت ندارد

ایسنا: سخنگوی دولت در توضیح طرح یارانه بنزین اعلام کرد: طرح این است که اگر قرار است یارانه‌ای داده شود و مابه‌التفاوتی دریافت شود، این مستقیما برود سراغ کسانی که از بنزین استفاده نکردند. علی‌بهادری جهرمی در گفت‌وگو با بخش خبری ساعت ۱۴ سیما در پاسخ به این پرسش که آیا به افرادی که خودرو ندارند، هم سهمیه بنزین تعلق می‌گیرد، اظهار کرد: اساسا مبنای طرح همین بود. تا پیش از این بنزین مردم به دارندگان خودروها تخصیص پیدا می‌کرد که مدل ناعلان‌های بود، به این دلیل که بخشی از مردم اساسا خودرو ندارند

تومان و تخصیص اداری آن را برای پنج سال ادامه دهند. جریان ورودی و خروجی سرمایه نیز در این مدت باید تحت کنترل کامل باشد، تا از تورم تازه‌ند در امان بمانیم، تولیدکننده و سرمایه‌گذار تکلیف خود را بدانند و میل به تولید و سرمایه‌گذاری احیا شود. این، علاوه بر اثر ضدتورمی، بی‌کاری خطرناک ناشی از بازار بحرانی ارز پرنوسان را به‌تدریج کاهش می‌دهد و با تقویت تولید داخل به‌تدریج پول ملی قوت می‌گیرد، طبیعی است که صادرکنندگان باید کل درآمد ارزی به‌دست‌آمده را با نرخ رسمی به دولت بفروشند. بعد افرادی را که با این ویژگی‌ها می‌شناختم، پیشنهاد دادم که پذیرفته نشد.

**کا می‌شود نام ببرید؟**

نه چون پیشنهادم را قبول نکرد، دیگر گفتن ندارد؛ اما امر دایر شد بین آقایان خاندوزی و صالح‌آبادی و زاهدی‌وفا، گفتم خاندوزی بهتر است. البته حال که بار به دوش این جوانان گذاشته شده، همه باید کمک‌شان کنیم. درباره راه‌حل در نامه اخیر به سران قوا بیشتر گفته‌ام به‌ویژه بر صدور کارت هوشمند غذا و درمان و تجهیزات دیجیتال برای تحصیل به‌عنوان نخستین اقدام تأکید کرده‌ام. می‌دانم این حرف‌ها تمام نیست و طبعاً قابل نقد، همه باید کمک کنیم تا بهترین راه بر دولت گشوده شود. این برای دنیا و آخرت همه ایرانیان و همه دوستداران ایران یا اسلام یا انقلاب در داخل و خارج بهتر است.

**کا آقای راستینیه، نماینده شهرکرد، به‌تازگی گفته است «البته تعجب نمی‌کنم اگر ژنرال‌های سیاست‌باز خسته و بیگانه با کار جهادی، این حجم از فعالیت مؤثر را درک نکنند و در روزنامه‌های زنجیره‌ای و شبکه‌های اجتماعی عاریت و فضای مجازی دست به تحریب دولت مجلس بزنند؛ اما از روستان و برخی از همکاران خود متعجبم که آنها چرا این‌گونه این فرصت ارزشمند را ناسپاسی می‌کنند»، نظر شما چیست؟**

دولتی‌ها و نمایندگان محترم، سیاست‌مدار تلقی می‌شوند. سیاست‌مدار باید خودش را آماده شنیدن حرف‌های تلخ کند. اسلام عزیز به مردم تکلیف کرده است که بر سیاست‌مداران نظارت کنند و به صراحت آنان را به معروف

بدر تم می‌شود و وضعیت برای مردم تحمل‌ناپذیر می‌شود. حتما تاب‌آوری مردم حدی دارد. **کا آقای توکلی چرا اصولگرایان مقدم کناره گرفته‌اند یا کنار گذاشته شده‌اند با بازی داده نمی‌شوند، چرا امثال شما و دیگر اصولگرایان قدیمی و مسدود در تیم فعلی دولت جایی ندارند، به نظر می‌رسد چرا اعضای اقتصاددانان تیم شما که تجربه کار اجرایی دارید و حضور در مجلس دارید در مشاوره‌دادن یا تصمیم‌سازی دولت خالی است.**

انتخاب برخی مشاوران و انتصابات بعضی وزیران و مسئولان درست نبوده که در مورد وزیران، مناسب یا نامناسب، مجلس هم شریک است. در سوم ملاقاتی با آقای رئیسی، پیش از تنفیذ، عرض کردم که شما می‌توانید بحران اقتصادی را حل کنید اما به انجام مقدماتی ضروری محتاجید. ما الان در جنگ اقتصادی هستیم. اگر در جبهه‌ای از جبهه‌های جنگ بیم شکست باشد، باید بهترین امیران و سرداران را با ریزه‌ترین لشکرتان به آن جبهه بفرستید. شما برای پیروزی در جنگ اقتصادی از تیمی هم‌نظر از اقتصاددانان مجرب و آزمایش‌پس‌داده دعوت کنید. جوان‌ها را معاون وزیر کنید تا طی چهار سال بعد که تجربه پیدا کردند به وزارت برسند. کسانی را باید برای وزارت برگزید که علاوه بر ویژگی‌های لازم، عموماً، در ارتباط با کارآمدی سه مشخصه داشته باشند:

۱) از دانش علمی نظری لازم مربوط به حوزه مأموریت، برخوردار باشند ۲) نسبت به مشکلات و واقعیت‌های حوزه مزبور شناخت قابل قبولی داشته باشند و ۳) در حوزه ذی‌ربط با مشکلات و معضلات دست به گریبان شده و کشتی‌گریخته باشند. کسی که کشتی نگرفته باشد، به‌سختی می‌تواند موفق شود. چون در حوزه اقتصاد نقش مدل بسیار مهم و تعیین‌کننده است، تیم اقتصادی مزبور باید سیاست‌های تعدیل بخسازی که ما را مانند قاطبه کشورهای دیگر، به این روز انداخته است، به کناری بگذارند و عکس خواسته صندوق بین‌المللی پول، سیاست تثبیت نرخ ارز در حدود دلار ۱۰ هزار

### سخنگوی دولت خبر داد:

## خبر سازی‌ها پیرامون افزایش قیمت بنزین صحت ندارد

هزارتومانی داریم. وقتی این بنزین سه هزارتومانی فروش می‌رود تا تفاوت هزارو ۵۰۰تومانی کجا می‌رود؟ به حساب هدفمندی یارانه‌ها می‌رود تا بیاید و بازتوزیع شود؛ یعنی در حقیقت در اختیار دولت قرار می‌گیرد. او گفت: طرح این است که اگر قرار است یارانه‌ای داده شود و مابه‌التفاوتی دریافت شود، این مستقیما برود سراغ کسانی که از بنزین استفاده نکردند. یعنی یک عده از یارانه‌ه بنزین در مقام خریدن بنزین استفاده می‌کنند و یک عده که از این یارانه استفاده نمی‌کنند، خود یارانه به آنها تقدیم می‌شود.

روزنه

ازسوی دیوان عالی کشور صادر شد

### تجویز اعاده دادرسی برای پرونده سیف و عراقچی

● شرق: رأی پرونده اعاده دادرسی رئیس و معاون اسبق بانک مرکزی با موضوع اخلال در نظام ارزی در دیوان عالی کشور تجویز شد و این یعنی پرونده ولی‌الله سیف و احمد عراقچی و سایر متهمان طبق ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ برای بررسی مجدد به شعبه هم‌عرض ارجاع خواهد شد. بر اساس رأی دیوان عالی کشور، متهمان این پرونده تنها مجری سیاست‌های کلان ارزی بوده‌اند و مجرمانه تلقی‌کردن عملکرد آنان و انتساب بزه اخلال در نظام اقتصادی کشور، توجیه قانونی نخواهد داشت. این حساب، پرونده آنها دوباره رسیدگی خواهد شد. در ابتدای رأی دیوان عالی کشور درباره این پرونده آمده است: «مستدعیان اعاده دادرسی عراقچی از آقایان: ۱- ولی‌الله سیف، ۲- سیداحمد

عراقچی، ۳- سالار آقاخانی، ۴- میلاد کوردزی، ۵- سیدرسول سجاده، ۶- احسان معافی، ۷- علی آروند، ۸- فرشاد حیدری، ۹- میثم خدایی، هرکدام از نام‌بردگان به شرح لایحه جداگانه‌ای با ادعای اینکه اقدامات صورت‌گرفته در توزیع ارز در اجرای سیاست بانک مرکزی و با هماهنگی مقامات نظارتی بوده است و هدف از این کار تسلط بر بازار ارز و کنترل آن می‌باشد، استدعای تجویز اعاده دادرسی نموده‌اند.» در ادامه آمده است: «وکلا آقایان ولی‌الله سیف و سیداحمد عراقچی در توجیه عملکرد موکلین خود به مدارک و مستنداتی اشاره کرده‌اند از جمله نامه‌هایی به شورای عالی امنیت ملی خطاب به رئیس‌جمهور که به موجب آن پیشنهاد شده مداخله در بازار به صورت مداخله فردایی به نحو پوششی صورت گیرد، ۲- نامه شماره ۱۲۶۷/۹۶ - ۹۶/۷/۲۲ دفتر رئیس‌جمهور موضوع ابلاغ دستور آقای رئیس‌جمهور مبنی بر اقدام لازم برای کنترل قیمت ارز، ۳- نامه شماره ۹۷۲۲۱۸۲/ ۲۷ - ۱۳۹۷/۶/۲۷ آقای عبدالناصر همتی رئیس وقت کل بانک مرکزی که مفادا در تأیید اقدامات صورت‌گرفته می‌باشد، ۴- نامه شماره ۹۷/۷۷/۳۰۱ - ۹۷/۶/۲۰ وزیر وقت محترم اطلاعات که صراحتا مداخله تجویز و دستور سلسله مراتب مقامات ذی‌ربط گزارش نموده در این نامه خصوصا در مورد آقای سیداحمد عراقچی آمده است: نام‌برده به عنوان مسئول ارزی دولت و کشور مداخله در بازار فردایی با اطلاع، هماهنگی، و توصیه و مستندات فوق‌الذکر ذی‌ربط انجام داده است.» در پایان این حکم آمده:

«مطالب مذکور و نامه‌ها و مستندات فوق‌الذکر جعلگی حکایت دارد که مستدعیان اعاده دادرسی، مجریان سیاست‌های کلان ارزی بوده‌اند؛ و این وصف مجرمانه تلقی‌نمودن عملکرد آنان و انتساب بزه اخلال در نظام اقتصادی کشور توجیه قانونی نخواهد داشت. علیهذا با اعلام اینکه در خواست‌های متقاضیان با بند «ج» ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری منطبق است ضمن تجویز اعاده دادرسی پرونده جهت رسیدگی به شعبه دیگر (هم‌عرض دادگاه صادرکننده رأی) ارجاع آقاخانی در پرداخت رشوه و اقسای میثم خدایی در اخذ رشوه مطرح شده با مخدوش‌شدن اصل موضوع فاقد مبنای قانونی خواهد بود.»

۹۶. در آغاز دولت دوم حسن روحانی، تحقیقات درباره پرونده تخلفات ارزی آغاز شد و یک سال بعد دیوان محاسبات کشور تخلفات بانک مرکزی را محرز دانست و حکم انفصال ولی‌الله سیف و معاونانش را تأیید کرد. چندی بعد سخنگوی وقت قوه قضائیه اعلام کرد در زمان تحقیق درباره احمد عراقچی که معاونت امور ارزی را بر عهده داشته، پای ولی‌الله سیف نیز به پرونده باز شده است. او اما گفت آنچه مجری مصوبات دولت بوده و نمی‌توانسته به صورت مستقل سیاست‌گذاری کند. ۱۳ مرداد سال ۹۸ اولین جلسه دادگاه ولی‌الله سیف و احمد عراقچی به همراه ششت متهم دیگر در شعبه دوم دادگاه ویژه جرائم اقتصادی به اتهام «اخلال ارزی و قاچاق عمده ارز» و به ریاست قاضی زرگر برگزار شد که ولی‌الله سیف با ۱۰ سال محکوم و احمد عراقچی به هشت سال حبس محکوم شدند. حدود یک ماه پیش اعلام شد مقام معظم رهبری خواستار بررسی دقیق‌تر این پرونده شده‌اند. احمد عراقچی، درباره موضوع ارز و پرونده خود در گفت‌وگو با تسنیم گفته بود: «کدام معاون ارزی این میزان هشدار در مورد بحران ارزی داده بود؟ ظرف شش ماه ۳۰ نامه به شخص رئیس‌جمهور نوشتم که این نامه صرفا هشدار نبود، بلکه راهکار هم ارائه داده بود. در دوره بعد از من قیمت ارز نوسان سنگینی را تجربه کرد، چرا کسی از مسئول وقت نمی‌پرد جدی‌تر این‌طور شده است؟ وظیفه معاون ارزی جز هشدار چه چیزی می‌تواند باشد؟ وقتی می‌خواهیم عملکرد کسی را بررسی کنیم، باید ببینیم چه میزان اختیارات داشته است. هر تصمیمی که ما گرفتیم، با پیوست کارشناسی بوده و تنها معاون ارزی‌ای هستیم که قبل از سمّت، تحصیلات مربوط به این حوزه و سابقه کار در بازارهای مالی را داشته‌ام. من می‌توانم گزارش روز به روز را از زمانی که مسئولیتی را پذیرفتم ارائه بدهم.»